

۲ **جایزه دیپلم افتخار بازیگری را کسب کرد**
دانشجوی تهران مرکز
 فاطمه زهرا نوریان

۳ **مناظره مکتوب**
 در این ستون مطالبی را که توسط یکی از دانشجویان محترم ارائه و توسط دانشجوی محترم دیگر نقد و بررسی می شود، به چاپ می رسانیم...

۴ **پادشاه سرزمین بدن خود باشی**
 سرزمین بدن خود باشی

۲ **رابطه رضایت بخش هنر گوش دادن**
 هنر گوش دادن

۳ **خود ارضایی ذهنی**
 به ذهن خود فشار می آورد و افکار پریشانان را متمرکز می کند؛ خیالات و توهمات یکی پس از دیگری به...

۴ **شهر موشها ۲**
 شهر موشها ۲

باز فکر کردن • فوی عمل کردن • جاره اندیشیدن • هدف ماست

● ماهنامه علمی، فرهنگی و سیاسی
 ● سال چهارم • شماره بیستم • مهر ۱۳۹۳

تلخ و شیرین دانشگاه تهران مرکز



اولین باران پاییزی در مجتمع ولیعصر(عج)

سه نقطه چین ناقابل

دکتری هستند و خانم دکتر کوچک انتظار، مهربان و شورامدار مدیر گروه کارشناسی شدند.

حالا این بوی تغییرات به سلف عزیز دانشگاه ومخزن پاپان نامه ها ... نیز رسیده است و ما دلما را حسابی خوش کرده ایم تا به لطف آقای دکتر تغییرات عظیمی را در ظاهر دانشکده حس کنیم، همانطور که دلما با گران شدن شهریه ها " خوش و مسرور" شد. تعجب نکنید خاصیت گرفتن قلم و نوشتن این است که گاهی برای نشان دادن عمق فاجعه از افعال معکوس باید استفاده کرد. هفته اول مهر خودم رفتم تا به قول گفتنی " شنیدن کی بود مانند دیدن " را با چشم خودم ببینم خدمت دانشکده خودم که رسیدم تا ببینم اوضاع چطور است همان ابتدای کار سر و صداها را که شنیدم گفتم یا خدا! نکند دوستان دانشجو به خاطر گرانی شهریه ها اقدام به حرکت خودجوشی چیزی زده اند زانم لال...

نفس ها را در سینه حبس نکنید عادت به اغراق ندارم چون بنده رسماً بعد از شنیدن این خبر که بچه های رشته علوم ارتباطات باید از این دانشگاه بروند و راهی خیابان انقلاب شوند کم مانده بود خودم را بکشم، نبودید تا نظاره کنید رنگ به رخسار هیچ کدام از دانشجویان حاضر در راهرو نبود همه مات و مبهوت همدیگر را نگاه می کردیم از یک طرف مسئولین گرامی نیز در جواب سوال بنده که آیا قرار است برویم یا خیر گفتند ((هیچ چیز معلوم نیست پنجاه پنجاه))، حداقل از ما که اهالی خبر و رسانه محسوب می شویم انتظار می رفت خبر به این مهمی را طور دیگری بگویند حتی اگر شایعه باشند...

شاید هم می خواستند ما را شگفت زده کنند اما بنده اگر از این دانشگاه به اتفاق دیگر دوستان چمدان جمع کنیم و به انقلاب برویم مطمئن باشیم بقیچه خودم را جمع نخواهم کرد تا شماره دیگر مشخص خواهد شد. چه جالب است واقعا این جمله هیچ چیز معلوم نیست کلی حرف برای گفتن دارد. چند طبقه که بالاتر رفتم پیش مدیر محترم مربوطه و بقیه عزیزان اوضاع را بهتر از پایین نیافتم سرشان شلوغ و شلوغ و الحق که همگی تلاش می کردند

کار راه بیندازند، دست عده ای دانشجو سفته می دیدم و بین بعضی دانشجویان حرف اینکه باید صحبت کنم شاید اجازه دهند شهریه هر ترم را اقساطی بپردازم شنیده می شد البته بیشتر بین ارشدها. و کلی حرف ها و خواسته های دیگر دانشجویان که مجالی در اینجا برای گفتنش نمی بینم امید این را دارم که گوش های شنوا آن ها را خواهند شنید. شش طبقه را بدون آسانسور پایین می آمدم، پله ها را یکی یکی با این جمله همراه با لبخند می گذراندم (ای که مرا کشته ای، راه نشانم بده)

هر چه بشود و هر اتفاقی بیافتد ما همچنان دانشجوی همین دانشگاهیم و نمک گیر همین عرصه علم آموزی. با هر سختی هم که پیش پیمان باید کنار می آیم به امید اینکه روزهای بهتری پیش رو خواهیم داشت البته امیدواریم.

جیب من و پدر که ندارد اما همه می دانیم بحث فقط گران شدن شهریه نیست اینکه چند درصد پایین یا بالا شده نیست، کمی چرخاندن زندگی ها سخت است امیدوارم کسانی که مشغول خواندن این مطلب هستند لاقلا با این تیکه آخر حرفم همزاد پنداری کنند.

و اما دانشگاه همچنین برای جدید الورهدها مراسم خوب و در خور شایسته ای ترتیب داده بود که آقای دکتر میرزاده رئیس کل دانشگاه آزاد اسلامی کشور نیز در آن حضور داشتند اجرای موسیقی سنتی قومیت ها توسط گروه دستان گویا و همچنین تقدیر از دانشجویان ممتاز ورودی های جدید ارشد و دکترا و نشست خبری با خبرنگاران از جمله بخش های این جشن بود.

از همین تریبون تمام قد تشکر می کنیم به خاطر همه زحماتی که برای دانشگاه و دانشجویان آن می کشید اگر حرفی زده شد درد و دل خیلی از دانشجویان بود آن هم با قلم احترام مطمئن باشید دانشجو این نسل انقلاب نمک می خورد اما نمکدان نمی شکند. تا تلخ و شیرینی دیگر یا حق

📞 زینب امیدی پناه، ارتباطات

همین اول کاری دلم می خواست این ستون را خالی خالی بگذارم و به جایش سه نقطه چین ناقابل (...) به رسم ادب! آن هم ادبی به رسم بقیچه تا هر کس هر چه دل تنگش می خواهد به جایش بنویسد. حال کم کم دلش را عرض می کنم. به تازه ورودی های عزیز عرض سلام و خوش آمد گویی داریم، بیایید تا بقیچه دلما را برای شما هم باز کنیم. تازه راهید و به قول ریش سفیدان دانشجویی دانشگاه کله هایتان داغ... آخ که بسی کله های ما نیز سر مسائل جالبی به طرز شیکی داغ شده.

بوی کلاس ها و راه روی های تازه رنگ شده به خوبی حس می شود. قلموی رنگ، روی خاطرات و تقلب هایی که ترم های متعددی دانشجویان فعال و... دانشگاه برای حک کردن آن ها زحمت کشیده بودند رنگ تازه ای کشید البته امیدواریم لاقلا این یک ترم تا روز آخرش دیوارها را سفید و بدون آثار دستی و هنری دانشجویان گرامی ببینیم به امید آخر ترم که رو سفید باشیم.

بوی تغییراتی در دانشگاه حس می شود آن هم از نوع ریاستی! مثل چند ترم گذشته که از آقای دکتر حاجیان خداحافظی کردیم گویا باید از خانم دکتر صالحی رئیس دانشکده علوم اجتماعی و روان شناسی نیز خداحافظی گرمی به عمل آوریم. البته دانشجویان روانشناسی هنوز افتخار شاگردی ایشان را دارند. خانم دکتر هر خوبی، بدی ازما دیدید به رسم بزرگی حلالمان کنید. نشریه بقیچه از شما خاطرات خوبی در ذهن دارد، و عنایات شما رافراموش نمی کند، دلما تنگ بودنتان خواهد شد. به رئیس جدید این دانشکده جناب آقای دکتر افتخار زاده نیز خوش آمد می گوئیم و امیدواریم در ورطه عمل به خوبی خودشان را نشان دهند و ما از حضور ایشان بهره بیشتری ببریم ضمن اینکه به ایشان بگوئیم: شنیدن صدای دانشجو وعمل به خواسته های منطقی او از اوجب واجبات است. مدیرمحترم گروه روانشناسی خانم دکتر باغداساریان هم که درصداقت و درستکاری پیش قدم بودند دوره مسئولیتشان تمام شد و خانم دکتر سپاسه منصور که حسن خلقشان، اخم از چهره دانشجویان کم حوصله می زاید مدیر جدید گروه در مقطع ارشد و

دانشجوی پاییز

شما جوانها نابودی و هلاکت غرب را خواهید دید

شما جوانها آن روز را خواهید دید که این دنیای متمدن غربی از نبود معنویت، دچار هلاکت و نابودی خواهد شد؛ از اوج توانایی ها و اقتداری که امروز از آن برخوردار است، به حضيض ذلت و ناتوانی خواهد افتاد. نتایج فعل و انفعالات تاریخی، سریع و زودرس نیست. روزی این نتایج دیده خواهد شد که دیگر علاج پذیر نیست؛ و آن روز برای تمدن غربی فراخواهد رسید؛ هشدارش را هم همین امروز خود روشن بینان غربی دارند می دهند. این حرفی نیست که من طلبه این جا بنشینم و از دور بگویم؛ نه، این حرف و فهم خود آنهاست؛ ما هم البته همین را می فهمیم.

📖 بیانات مقام معظم رهبری

سخن تازه

یکی از صحبت هایی که همیشه مطرح شده تعریف عشق و تفکیک آن به دو نوع حقیقی و مجازی است. طرفداران این نظریه اعتقاد دارند که عشق انسان به موجودی غیر خداوند، عشقی مجازی و عشق انسان به خداوند، عشقی حقیقی است. این طرز فکر باعث به وجود آمدن جوی سنگین برای "عشق به غیر خداوند" شده و مدام می بینیم که در مذمت آن صحبت می شود. آنها معتقدند عشق مجازی، تجربه ای ناقص و بی هدف است و همواره شکست و ناکامی در پی دارد. من به شخصه عقیده دیگری دارم؛ از نظر من نوع معشوق در عشق خیلی مهم نیست و آنچه مهم است حرکت انسان در مسیر عشق است. انسان اگر عاشق غیر خداوند ما باشد ولی با جدیت و صداقت حرکت کند و متوقف نماند، در نهایت به "عشق به خداوند" خواهد رسید و رسنگار خواهد شد، اما اگر مدعی باشد که معشوقش خداوند است ولی در راه این عشق، صداقت و جانبازی نداشته باشد، متوقف می ماند و از مسیر درست خارج می شود. آنچه مهم است صداقت، جانبازی و تفکر انسان در راه عشق است:

عاشقی گر زین سر و گر زان سرست
 عاقبت ما را بدان سر رهبرست

📖 حمیدرضا سیه پوش، ادبیات

پیامک دهید جایزه بگیرید

این شماره ۳ برنده

نظر خود را درباره نشریه به صورت (خوب، عالی، متوسط، ضعیف) پیامک نمایید.

کدام مطلب را پسندیدید؟
 پاسخ خود را به سامانه پیامک ۰۲۸۲۲۵۶۵۵۳۳ ارسال نمایید.

برنده شماره قبل:
 محمد صالح نوریان دانشجوی مدیریت صنعتی

📖 کاری از گروه طنز بقیچه

اندر حکایت دانشگاه شکر مرکز

این حکایت: اوضاع شکر در عقرب

صندلی هم که چیزی واسه خوردن پیدا نمیکند آدامسو سفت و محکم میگیره و تا قیامت یادگاری نگهش میداره.

ما انواع و اقسام محبت ها رو توی دانشگاه میتونیم ببینیم مثلا هیچ کس به سطل زباله توهمین نمیکند همه زبالشونو زیر پای خودشون با احترام و به آرومی پرت میکنند. اصلا خاصیت شکر مرکزی ها محبت بی چون و چرا بوده و هست اونها عشق رو روی دیوارها حک میکنند یادگاری های عاشقانه و هر چه فکر کنی البته خدا نکرده فکر نکنید به وقت مطالب درسی رو هم می نویسند نه بابا اصلا اینطور نیست، همه درسخونن و فقط بعضی مطالب رو به خاطر اینکه دیوارها خیلی تنها نباشن و بی علم نمونن رو دیوارا حک می کنن.

بزار آدرس بدم که بدون انبردست نری دستشویی که گرفتار میشی. دستشویی خانمها ط اول، اتاق آخری که میری به شیر آب داره که همیشه جاریه البته بعضی ها می بندنن، شیر نداره ها اشتباه نشه یه مغزی که زده بیرون از شیر و فقط با انبردست میشه باز و بسته اش کرد مگه دانشجوی شکر مرکزی اونم از نوع خفنش باشی که بتونی باز و بسته اش کنی. فقط برو ببین و بگوای ول ما همیشه در پرداخت شهریه ثابت قدم هستیم. چی بگم برات که دلم خونه از این اوضاع شکر در عقرب که هر

بوی رنگ که میاد آدم یاد خیلی چیزا میفته مثلا عید نوروز، تمیزی و نظافت و خیلی چیزای دیگه اما این بوی رنگ این دفعه با همه اونا فرق داره آخه کمی شکر توی رنگش داره.

دانشگاه شکر مرکز بالاخره با کلی این طرف و اونطرف کردن تونسته بعد از سالیان دراز شکرستانی به رنگ و لعابی به در و دیوارش بده اونم از نوع دقیقه نودی و یه ساعت مونده به شروع سال تحصیلی!

البته گلی به جمال همه رؤسا که به فکر دانشجویهای پارکور کاری بودن که طفلکی ها مثل مرد عنکبوتی تا دم سقف جایی که جناب مامولک هم از ترس سقوط تا اون بالا نمی ره، حرکت میکنند ومارک کفشاشونو به رخ میکشن، عین خیالشونم نیست شکر مرکزی ها چقدر هزینه کردن و چقدر نامه فرستادن تا اندکی پول جور بشه تا رنگ و بوی نو به دانشگاه بدن. دانشجویهای اینجا عاشق نظافتن میگی نه زیر دستی صندلی ها رو بزین بالا می فهمی. دانشجویهای ما انقدر سخاوتمندند که دلشون نمی خواد چیزی رو تنهایی بخورن آدامشونم تنهایی نمی خورن و به صندلی تعارف میکنند. طفلی

دانشجوی تهران مرکزجایزه دیپلم افتخار بازیگری را کسب کرد

گفتگویی صمیمی با نازنین مریم پیرکاری



و در آخر ممنون از هیات تحریریه نشریه بقیچه که بنده افتخار همکاری باهاشون را در این نشریه دارم.

گفتگو از حورا وهاج، روانشناسی

میخواهم ببرسم شما به طور تخصصی در ژانر کودک و نوجوان بیش تر کار کردین، آیا به طور اتفاقی بوده یا از سر علاقه به این سمت گرایش پیدا کردین؟

من با ژانر کودک و نوجوان شروع کردم اتفاقی که نیست علاقه زیادمه که با نگاه تخصصی گره خورده... من حتی گرایش رشته ی دانشگاهیم روانشناسی کودکان استثنایی هست.

شما به تازگی دیپلم افتخار بهترین بازیگر را گرفتین پیش بینی همچین چیزی را می کردین؟

بله جایزه دیپلم افتخار از بیست و هشتمین جشنواره ی بین المللی کودک و نوجوان یکی از بهترین اتفاقاتی بود که در ژانری که دوست داشتم برام اتفاق افتاد. فیلم غریبه به کارگردانی سید محسن یوسفی راجع به فضای مجازی و معضلات آن برای گروه سنی نوجوانان است که در آن نقش یکی از نوجوان های قصه را دارم وقتی فیلم را کار می کردم خیلی ها به خصوص کارگردان می گفت که به احتمال زیاد کاندید می شم ولی پیش بینی گرفتن جایزه رو اصلا نداشتم!

خب خیلی تبریک می گیم شما به تازگی سریال رهایی را هم کنار بازیگران خوبی مثل میترا حجار، دانیال حکیمی و سام قربیبیان از شبکه ی دو در بخش دارید از حس و حالتون می گید؟

به هر حال کنار بزرگان کار کردن حس خیلی خوبی داره ولی به استرسش نمی ارزه (باخنده) نه شوخی می کنم تجربه بسیار با ارزشی بود خیلی چیزها یاد گرفتم.

نازنین پیرکاری ۲۰ ساله دیگه کجاست؟

ثانیه به ثانیه که دست خدایت نمی تونم قاطع بگم کجام ولی حدودا فکر می کنم اگر در دنیای هنر باشم به عنوان کارگردان حضور دارم و یک روان شناس خوب و حتما یک مادر نمونه (می خندد)

و حرف آخر اگر قرار باشد از یک نفر در دنیای حرفه ای کارتون تشکر ویژه کنید اون آدم کیه؟

سلام خانم پیرکاری لطفا بیوگرافی از خودتون برای خواننده های ما بگید؟

سلام بر شما وهمه ی خواننده های نشریه بقیچه. من نازنین مریم پیرکاری هستم دانشجوی ترم آخر کارشناسی رشته روان شناسی دانشگاه تهران مرکز. خب دیگه چی باید بگم؟

علاقه ی هنری شما از کجا نشأت گرفت؟

من در برنامه ی هفته گذشته ی هفت گفتم از وقتی زبون باز کردم و بیشتر خودم را شناختم تقریبا از ۳ سالگی به بازیگری علاقه داشتم (میخندد)

چقدر جالب مامان بابا چی کشیدند از دست شما... حالا به طور حرفه ای کی وارد دنیای هنر شدید؟

من از دوم دبیرستان کلاس بازیگری رفتم و پیش دانشگاهی بودم که اولین کار تئاتر را شروع کردم و دقیقا بعد از آن کار یک سریال بهم پیشنهاد شد به اسم ۲۰ به کارگردانی محمد حسن زاده برای گروه کودک و نوجوان شبکه یک که نقش اصلی آن را داشتم و با هنرمندانی هم چون رایحه اسکویی - حسین رفیعی - سوسن پرور - حسین مهری - حامد کلاههداری و... هم بازی کردم.

روزمه ی کارتون نشون می ده که شما هم مجری بودید و هم بازیگر که البته تازگی ها یک فیلم کوتاه هم کارگردانی کردید چطور بین اینها روی بازیگری متمرکز شدید؟

اگه دنیا دنیای تخصص نباشه و قرار باشه من اونجور که می خوام زندگی کنم دوست دارم هم مجری باشم هم بازیگر، هم کارگردان، هم روان شناس، هم وکیل، هم معلم و... ولی به خاطر اینکه تو یک زمینه کار کردن فرصت بیشتری برای تخصصی شدن در همان زمینه به آدم میده برای اینکه بتونم موفق بشم یکی رو انتخاب کردم و با مشورت هایی که کردم و دو دو تا چهارتای نهایی به بازیگری رسیدم.

حالا که صحبت از تخصص شد

تربین ها



ملیحه مظفری دانشجوی کارشناسی روانشناسی بالینی در همایش ملی سبک زندگی شرکت کردند و مقاله ای تحت عنوان «رابطه انسان و خود» ارائه دادند. این مقاله حائز امتیاز علمی - پژوهشی گردید. نشریه بقیچه این موفقیت را به ایشان تبریک گفته و آرزو دارد همه دانشجویان دانشگاه مقوله پژوهش را مهم و لازمه تحصیل خود بدانند.

سیاست روز

گروهک تروریسته داعش

داعش یا همان دولت اسلامی عراق و شام گروهک تروریستی است که از سال ۲۰۰۶ و پس از حضور نظامی آمریکا در عراق به صورت رسمی شکل گرفت. اولین فرمانده آن ابومرزوق الزرقاوی از فرماندهان القاعده بود که ۲ سال بعد به دست نیروهای آمریکایی در عراق کشته شد. پس از شروع شدن درگیری ها در سوریه این گروهک وارد سوریه شد و به سازماندهی نیروهای خود پرداخت.

دراویل جنگ داخلی در سوریه، این گروهک با گروهک تروریستی النصره همکاری می کرد، اما پس از مدتی وبا ایجاد اختلافات داخلی در این گروهها داعش از گروه النصره جدا شد و به فعالیت تروریستی خود در سوریه ادامه داد تا اینکه شکست های متعددی از سوی گروههای مقاومت در سوریه و حزب... لبنان متحمل شد.

پس از آن تعدادی از نیروهای خود را از سوریه خارج و به عراق منتقل کرد و بعد از تصرف شهر موصل به طور رسمی دولت اسلامی عراق و شام (داعش) را تشکیل داد و توانست در مدت کوتاهی استانهای صلاح الدین و الانبار را نیز در کنترل خود در آورد و هم اکنون نیز در این استانها با نیروهای عراقی و مقاومت مردمی درگیر می باشد. گروهک تروریستی داعش که توسط کشورهای غربی - عربی حمایت تسلیحاتی و مالی می شود در رویای گسترش امارت عراق و شام می باشد و این گروهک بر این است که باید برای ایجاد دولت کاملاً اسلامی که مد نظر خود است، کشورهای عراق و سوریه را در اختیار خود گیرد. گروهک داعش خود را سردمدار واقعی اسلام می داند و بقیه مذاهب و اقلیتها را تکفیر و آنها را کافر و خارج از اصول اسلام و دین تلقی می کند. شایان ذکر است تعداد بیشماری از تروریستها از کشورهای غربی و عربی وارد خاک سوریه و عراق شده اند و به اعمال تروریستی و قتل و غارت دست می زنند. اللهم عجل لولیک الفرج.

مهدی حکم آبادی، ارشد روانشناسی

رابطه رضایت بخش هنرگوش دادن



آقای ایمن مسافر فرد دانشجوی رشته جامعه شناسی دانشگاه آزاد تهران مرکز دارای ۱۸ سال سابقه تدریس روابط انسانی می باشند از ایشان خواهش کردیم تجربه خود را در اختیار خوانندگان محترم نشریه قرار دهند. آنچه می خوانید بخشی ازین تجربه است. امیدوارم با ارسال نظرات خود به نشریه boghcheh.139@gmail.com پیامک به ۳۰۰۲۸۳۲۵۶۵۵۲۲ پیامک بفرستید.

ارتباط دوسویه موثری با این ستون برقرار نمایید.

و بی احترامی می کنید. دچار سرخوردگی می شود و با نایب شسته شدن دلگیری بی تردید اختلاف و سوء تفاهم پیش می آید. برای گوش دادن حقیقی به تمرین و روش درست نیازمندیم که به آن اشاره می گردد.

تمرین گوش دادن مؤثر

در طول هفته بایک نفر (ترجیحا در خانواده) پس از ایجاد زمینه رابطه (اطمینان از اینکه وقت و مکان مناسبی برای صحبت و گفتگو حاصل شده است) از شخص مورد نظر بخواهید که درباره موضوعی با شما صحبت کند. به حرفهای مخاطب فقط و فقط گوش کنید. هیچگونه جواب، عکس العمل و یا صحبتی ننمایید و فقط گفته های او را بپذیرید.

وقتی صحبتش تمام شد بگویید: من حرفهایت را تکرار می کنم، ببین درست شنیده ام؟ و اگر درست نیست لطفا دوباره تکرار کن. آنقدر این در خواست را تکرار کنی که کاملا حرفش را گرفته باشی. یادتان باشد نه جواب بدهید و نه عکس العمل نشان دهید فقط با گفتگوهای شنیده شده باشید.

لازم به یاد آوری است که گوش دادن حتما به مفهوم موافقت نیست، هم چنین به معنای نه گفتن و حد و مرز قائل نشدن در رابطه برای کودکان و حتی بزرگسالان نیست. گوش دادن یعنی فرصت و فضا دادن به فرزندان، دوستان، همکاران، والدین، همسر و هر کسی که با او برخورد می کنیم تا نه تنها حرفهایشان را بشنویم بلکه آنها بتوانند احساساتی را که نیاز دارند ابراز کنند. انشاء... در شماره بعدی نیز با شما صحبت خواهیم کرد.

شما می توانید از شنوایی موثر و بدون قضاوت لذت ببرید.

یکی دیگر از فیلترها ذهن غیر آماده است. چنانچه فکر یا مسئله ای ذهن شما را درگیر کرده باشد نمی توانید به درستی گوش دهید. زیرا ذهن فقط می تواند در هر زمان به یک نکته توجه کند. مشکل از این ایجاد می شود که به برنامه ی ذهنی تان آگاه نیستید و خود به خود و طبق عادت گوش میدید. هنگامی به درستی گوش نمی دهید، طرف مقابل به احتمال زیاد دچار این احساس می شود که به او بی توجهی

حاشیه روی می کند، بازماندگی هنگام صحبتهای طرف مقابل در تدارک جواب برای پاسخ هستیم و یا زمانیکه خسته هستیم حرفهای او را نمی شنوم.

به نظر من موانع یا فیلترهای گوش دادن ممکن است مربوط به شنونده (مانند خستگی، ذهن غیر آماده، تدارک جواب، ذهنیت قبلی و...) باشند یا مربوط به گوینده (ظاهر فضل، صحبتهای تکراری، حاشیه روی، داستانسرایی و...) به این نکته توجه داشته باشید که ما دنبال شنوایی و گوش دادن موثر هستیم نه به دنبال مقصر. خطا کار کردن تقابل به وجود می آورد. پس به هنر گوش دادن واقعی می اندیشیم و اینجا مسول صدر صد را شنونده می بینیم خود را در این جایگاه عامل می دانیم تا هنر گوش دادن را بیاموزیم.

شنوایی در لحظه

در فیلترهایی که اشاره شد مورد ذهنیت قبلی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. متأسفانه اکثر ما عادت داریم شنوایی از قبل داشته باشیم از اکنون می توانیم تصمیم بگیریم شنوایی در لحظه را تجربه کنیم.

وقتی نسبت به یک فرد ذهنیت منفی داریم به صحبتهای اکنون او موثر گوش نمی دهیم شاید آن فرد اکنون تغییر کرده ولی شما با ذهنیت قبلی حرفهای او را می شنوید. یا گاهی صحبتی را از فردی می شنوید ولی با ذهنیت قبلی درباره آن موضوع که از شخص دیگری شنیده اید پس در واقع صحبتهای فرد جدید را موثر نمی شنوید. که اینها همه در رابطه شما اثر منفی دارد.

اغلب آدمها به راستی گوش نمی دهند غالباً تصور می شود که گوش دادن عملی منفعلانه است در حالیکه چنین نیست وقتی گوش دادن حقیقی وجود داشته باشد، بی تردید ارتباطی رضایت بخش برقرار می شود. با پی بردن به مواردی که مانع گوش دادن شما می شود، می توانید موانع روابط و ارتباطات روزانه تان را نیز کشف کنید. اگر هنر گوش دادن را بیاموزیم در همه ی زمینه های زندگی موثرتر، مفید تر و رضای تری خواهیم بود. متأسفانه در سالهای رشد، در محیط خانواده، در جمع دوستان یا در مدرسه به ما گوش دادن واقعی را یاد نداده اند. آیا هیچ توجه کرده اید که واقعا گوش میدید یا نه؟ آیا متوجه شده اید که چه چیزی مانع گوش دادن حقیقی شما شده و اجازه نمی دهد که گفته های شخص دیگر را خوب گوش دهید و سخنانش را از دیدگاه او درک کنید؟

اینک باین سؤال می توانید متوجه شوید که چه عواملی مانع گوش دادن حقیقی شما می گردد.

سؤال: آیا تا به حال برای شما پیش آمده که در ارتباط با دیگران تصمیم گرفته اید که به صحبت های شخص گوش بدهید اما پس از چند لحظه دیگر متوجه شوید که حرفهای او را نشنیده اید؟ چه چیزی باعث می شود که ماحرفهای طرف مقابل را نمی شنویم؟

بگذارید از تجربه خودم در پاسخ به سؤال بالا برایتان سهیم شوم. من قبل از گوش دادن حقیقی وقتی تصمیم می گرفتم که به صحبتهای طرف مقابل گوش دهم و بعد متوجه می شدم که صحبتهای او را نشنیده ام، پی بردم که وقتی شخص مورد نظر در صحبتهای خود اظهار فضل و فخر فروشی می کند دیگر حرفهای او را نمی شنوم، یا زمانیکه طرف مقابل صحبتهای تکراری می کند، یا زمانیکه داستانسرایی یا

تفسیر قرآن

با محوریت مسائل روز دانشجو

استاد:
سرکار خانم دکتر آگاهی

زمان: دوشنبه ها

ساعت: ۱۵/۳۰ الی ۱۲

شروع: ۱۴ مهر ۹۳

مکان: نمازخانه مجتمع ولیعصر (عج)

ثبت نام: ساختمان ۳، طبقه اول

دفتر تهیه و تهیه در دانشگاه
با همکاری دفتر فرهنگ اسلامی



داشترناظره

مناظره مکتوب دانشجویان: یونس مشرقی و حامد ساعدی

در این ستون مطالبی را که توسط یکی از دانشجویان محترم ارائه و توسط دانشجوی دیگر نقد و بررسی می شود، به چاپ می رسانیم. در صورت تمایل به همکاری و ارائه مطلب با دفتر نشریه تماس بگیرید.

بهشت؛ زوری یا اختیاری

حرکت کردن در یک جاده ی سنگلاخ، برای رسیدن به مقصد سخت و دشوار است اما زمانی یک دولت برای رفاه حال مردم، این جاده را آسفالت می کند حرکت در این مسیر به سهولت اتفاق می افتد. دین اسلام، یک راه است که خداوند آن را به انسان توصیه می کند و دولت می تواند زمینه را برای حرکت مردم در این مسیر مهیا کند. اما سوال اساسی این است که به زور می توان کسی را به مقصدی همچون بهشت که دین آن را پیشنهاد می دهد، هدایت کرد؟

سیره ی پیامبر اسلام در این خصوص می تواند راهگشا باشد. پیامبر پس از فتح مکه (سال هشتم پس از هجرت)، به مشرکانی که در مکه حضور داشتند دستور می دهد تا این مکان را ترک کنند. اما این در مورد مشرکان است؛ در مورد مسلمانان هم اشاره ای به اجبار در پذیرفتن دین، وجود ندارد. منابعی که در این خصوص وجود دارند به این نکته اذعان می کنند که چنین مسئله ای رخ نداده است. یکی از آیه های قرآن کریم، به صراحت بر اجباری نبودن پذیرش دین، تأکید دارد و اگر فرض بر پذیرش اجباری دین باشد، دیگر نیازی به اجازت نیست و حکمت آن، بی معنی است. اما در یک جامعه ای که بسیاری از مردم دین را پذیرفته اند و مسلمان محسوب می شوند و می بایست احکام و دستورات این دین را به اجرا بگذارند، آیا باز هم حکومت می تواند از اجبار برای انجام اعمال و احکام دینی بهره ببرد؟ در میان قشر عظیم روحانیت، کسانی که به عنوان روحانیت سنت گرا مشخص می شوند به جواب این سوال، پاسخ مثبت می دهند. در طرف دیگر، روشنفکر دینی حضور دارد که به این مسئله جواب منفی می دهد؛ اما جدا از مباحث فقهی، می بایست به تجربه ی حکومت و جامعه، در سده دهی ی پس از انقلاب اشاره نمود. در دهه ی شصت و هفتاد، استفاده از زور در عرصه ی عمومی برای ایجاد حجاب مورد نظر حکومت، اعمال شد که دامان دیگر اقلیت های مذهبی را هم گرفت. نتیجه ی این نوع تندی و رادیکال عمل کردن، شرایط امروز جامعه در خصوص حجاب می باشد. این تجربه، یک بار دیگر به هدفی متفاوت، در دوره ی رضاشاه رخ داد. او به دنبال کشف حجاب بود تا به هدف مورد نظر خود دست یابد، اما در این راه شکست خورد. این تجارب تاریخی، گنجینه ای است که به خاطر عدم آشنایی درست و منطقی با تاریخ، ایرانیان به راحتی آن ها را نادیده می گیرند. به طور کلی اعمال خشونت در دو حوزه ی دین و فرهنگ، نتیجه ای عکس به همراه خواهد داشت. دلیل آن هم واضح و میرهن است، این دو حوزه به اندیشه ی افراد یک جامعه سر و کار دارند و اندیشه را به هیچ وجه نمی توان کاتالیزه کرد، چرا که در این صورت، به یک ایدئولوژی مسخ شده، تبدیل خواهد شد. به عنوان مثال، آیا می توان برای پسران و دختران یک مدرسه، لباس فرم یک اندازه را اجبار نمود بدون این که به تفاوت های افراد این مدرسه

توجه داشت. یا برای هر یک از مشکلات فکری و روانی آن ها، فقط یک راه را پیشنهاد داد. قاعدتاً نمی توان به این شکل عمل نمود. استفاده از تجربه ی تاریخی، یک راه حل برای پاسخ به این سوال مهم است؛ اما تنها راه پاسخ به این سوال نیست. طبق بیان قرآن، پیامبر اسلام، از عصمت در راه، روش و سیره ی خود برخوردار بود و همچنین در ابلاغ پیام رسالت؛ آیا حکومت اسلامی دارای چنین نسبتی است؟ حکومتی که در چتره ی مناسبات سیاسی و اقتصادی دارای فساد گسترده ای است، می تواند جامعه را به سمت بهشت سوق دهد؛ قاعدتاً می تواند از اجبار استفاده کند ولی راه به جایی نخواهد برد. زمانی که مردم عملکرد آن را مورد تحلیل و بررسی قرار می دهند و حکومت خود را متولی دین می نامند، پس هیچ گاه به خواسته های حاکمیت توجه نخواهند نمود. حکومت اسلامی، می بایست از کمترین فساد برخوردار باشد تا در این خصوص، بتواند کمی نقش هادی و راهبر مردم را ایفا نماید، که در این شرایط، باز هم حق اعمال زور و اجبار را ندارد.

همه ی این مقدمه بیان شد، تا به بحث اصلی در خصوص اختلاف نظر میان روحانیت سنت گرا و روشنفکران دینی بپردازیم؛ روشنفکر دینی نسبت به فقه یک نگاه تقلیل گرا دارد و بر انعطاف پذیری آن تأکید دارد و در این زمینه، قائل به استفاده از اجبار نیست. فرض کنید یک بانویی حجاب خود را به طور کامل رعایت نکرده است؛ آیا می توان به این فرد انگ نامسلمانی زد؟ و به او متذکر شد که حتماً می بایست باحجاب باشد؟ آیا با اندکی رعایت نکردن حجاب، می توان به عدم اعتقاد یک فرد به دین پی برد؟ اگر فردی به حکم قصاص در اسلام باور نداشته باشد، آیا اسلام او دچار اشکال می شود؟ سوال کلی تر این است که اصول دین مهم تر است یا صرف اجرای احکام؟ دین اسلام، بر دین تأکید می کند و این مسئله را در اولویت قرار می دهد، موضوعی که روشنفکر دینی بر روی آن دست می گذارد و آن را مهم تر از اجرای احکام روحانیت، بر پوسته ی دین، یعنی همان فقه و احکام فقهی تأکید می کند. اما اجرای احکام فقهی را نمی توان دلیلی بر ایمان یک فرد به حساب آورد. جامعه ای که بر احکام فقهی تأکید دارد و با ورود رسانه ای به نام ماهواره، دین و مذهب در خطر قرار می گیرد و آن را به آسانی رها می سازد، قاعدتاً رویکرد مناسبی نسبت به دین نداشته است.

یونس مشرقی، ارشد فلسفه

بهشت انتخابی آری!! فرستادن دیگران به جهنم نه!!

برادر گرامی، اجمالا و به حسب نوشته حضرت تعالی درحد توانم به اشکالات وارده جواب داده ام و آمادگی دارم دریک گفتگوی دوستانه با شما شرکت نمایم. در ابتدا سوالاتی اساسی مطرح نموده اید آیا میشود به زور کسی را به بهشت هدایت کرد؟ جواب این سوال خیر است و در قرآن به صراحت از اجباری نبودن پذیرش دین صحبت نموده است (لاکراه فی الدین) ولی باید این دقت را داشت که این آیه شریفه در ارتباط با اعتقادات است و اعتقاد و ایمان از امور قلبی است و اساسا اکراه و اجبار در آن راه ندارد. اگر این آیه و آیه پس از آن را ملاحظه نمایید متوجه این امر میشوید. و اگر فرصت مراجعه به تفاسیر را هم پیدا کردید که چه بهتر. وقرآن شریف انسان را موجودی دارای اختیار و آزادی در انتخاب مسیر خودمعرفی میکند و این حق کاملاً انسانی و الهی است.

دامنه این آزادی و اختیار کجاست وحد آن چگونه است؟ پاسخ این سوال این است که انسان تا انتخابی که مسیرشخصی وخصوصی خود را می خواهد انتخاب نماید، دارای آزادی و انتخاب است. اما حقوق خود را نباید در پرتو صدمه زدن به حقوق دیگران تعریف نماید. یعنی انسان فقط در انتخاب مسیری که مربوط به حریم خصوصی است، آزاد ومختار است وطبق مبانی اسلامی در آنجا هم دارای حدودی میباشد زیرا انسانها مالک مطلق خود نیستند و بدن وزندگی آنها را خداوند در اختیار آنها قرار داده وفرمود ما به انسانها کرامت داده ایم برای پادشاهی الهی بر روی کره زمین.

به طور مثال انسان نمی تواند خود کشتی کند، نمی تواند زمینه ایجاد کند که آبرویش به خطر افتد، این امکان در اختیار اوست، اما دارای خط قرمزاست. به عنوان مثال وقتی شخصی به پزشک مراجعه میکنند و پزشک به او دارویی جهت بهبودی می دهد وتاکیید میکند که آنها را مصرف کند ولی بیمار سرباز زده ومصرف نمی کند، درنهایت بیمار است که بیماریش بهبود نمی یابد و روز به روز بدتر میشود. براساس مبانی و فلسفه لیبرال انسان حیوانی است که می تواند بر دیگر موجودات تسلط یابد واین حیوان مالک مطلق خود و سرنوشت خود است حق دارد با بدن خود وزندگی خود هر کاری بکند از کارهای پست حیوانی تا خود کشتی!! پس انسان در انتخاب حریم خصوصی خود آزاد است اما آیا خیابان -پارک - دانشگاه - تاکسی - سینما- حریم خصوصی است یا حریم عمومی است؟ حکومت اسلامی در اجرای آن بخشی از احکام مانند: نماز، روزه، حج، نماز جمعه، غسل و... نمی تواند ونباید با زور و اجبار مردم را به انجام آنها مجبور نماید. اما آن بخشی از احکام که جنبه عمومی داردو حقوق دیگران است وسود یا ضررش فقط متوجه شخص خاصی نیست ودیگران را هم شامل می شود، در اینجا حکومت اسلامی باید بعد از آموزش وفرهنگ سازی قوانین اجتماعی را اعمال نماید. به طور مثال الان در کشوری مثل سنگاپور،

آدامس جویدن در اتوبوس های شهری ممنوع است وجرمیه دارد. به دلیل اینکه بعضی از شهروندان آدامس خود را بر روی صندلی می چسبانند. یا زاین برای سیگار کشیدن در خیابان وحرم عمومی قانون وضع می کند آیا اینها زورواجبار است؟

بخش اعظم فرهنگ اسلامی با زور وخشونت نیست، بلکه جنبه آموزشی وگفتگویی دارد. بزرگترین شمشیر اسلام منطق است. اما درحوزه حریم اجتماعی وحقوق دیگران قانون و اجبار مطرح می شود وتا زمانی که افراد به حقوق دیگران از جمله آزادی های اجتماعی - اقتصادی -فرهنگی تجاوز نکنند، حکومت اسلامی نباید و نمی تواند ازقانون استفاده نماید. به طور مثال اگر کسی با ساخت فیلم یا نوشتن رمان یا گرافیک و... اخلاق اجتماعی ونیسان خانواده را هدف قرار دهد، آیا باز حکومت اسلامی می تواند بیطرف باشد؟ آیا در دیگر کشورها اقلیت ویبا حتی اکثریت می توانند قانون آن کشور را نقض کنند؟

در دنیای امروز، نظم وانضباط اجتماعی امری است مدرن وقابل قبول همه جوامع. اینکه اعمال زور وخشونت در عرصه دین وفرهنگ نتیجه عکس دارد، فرمایشی درست است. اما باکسانی که با برنامه ریزی، فرهنگ ودین و اخلاق را در خانواده ها واجتماع هدف قرار می دهند، جزبا قانون می شود مقابله کرد؟

آیا حکومت اسلامی دارای عصمت است؟ خیر. اما عمل نمودن به سیره وروش و رسالت پیامبران در حد توانمان امری است منطقی وعقلانه ونگاه صفر وصدی که دولت باید دارای عصمت باشد تا بتواند حکومت نماید فرمایشی است غیر علمی و معنی آن این است که انسان موجودی است بی مسؤولیت و بی تفاوت، این خلاف هدف خلقت وپیام پیامبران است.

حکومت اسلامی باید دارای کمترین فساد باشد واگر حکومتی چنین نباشد جامعه اسلامی موظف است با امر به معروف ونهی از منکر آن حکومت را مورد انتقاد قرار دهد ومردم مسؤولیت اجتماعی دارند که به آن حکومت کمک نکنند تا به سمت ارزشهای اسلامی حرکت کنند.

روشنفکر دینی کسی است که دغدغه دین وحفظ وتقویت وتغظیم دین را دارد والا روشنفکر با پسوند دینی درست نیست. (بنده تقسیم سنتی ومدرن را قبول نداشته وبرای آن دلایل معرفت شناسی تاریخی دارم.) آیا می شود دین را پذیرفت اما به لوازم

آن دین عمل نکرد؟ به طور منطقی وطبیعی وقتی موضوعی را می پذیریم باید به لوازم آن تن بدهیم. اما اگر کسی حجاب خود را به طور کامل رعایت نکرده باشد، طبق مبانی اسلامی نمی توان به او ناسلمان گفت وکسی که شهادتین بگوید مسلمان است و رعایت نکردن حجاب دلیلی بر بی اعتقادی آن فردنیست. و اگر کسی نمی داند که حکم الهی قصاص برای چیست و یا بداند و اعتقاد نداشته باشد، تا زمانی که اقدامی علیه مسلمانان وحکومت اسلامی نداشته باشد جان و مال و امنیت و آبرویش محترم است.

حکم قصاص برای این است که خداوند برای جان انسان ارزش فوق العاده قائل است و قرآن شریف جان یک انسان را مساوی با جان تمام بشریت می داند و اصل را بر قصاص نمی گذارد و به خانواده مقتول میگوید که بهتر است عفو کنید اما اگر مجرمین قتل را مساوی با از دست دادن جان خود نمی دانستند مرتکب این جرم نمی شدند؟ و آیا اگر خانواده مقتول اطمینان نداشته باشند که قاتل قصاص می شود، قتل های تلافی جویانه صورت نمی گرفت و ناامنی صورت نمی گرفت؟ پس قصاص برای این است که جان انسان مهم وبا ارزش است وکسانی حق ندارند که با جان وجسم دیگران برخورد غیر انسانی کنند. ضمن اینکه در مبانی اسلامی تأکید زیادی بر جان وحقوق حیوانات ونباتات و گیاهان شده است وانسان به صرف انسان بودن سوای ازجنسیت و دین وزنگ و نژادو ملیت دارای ارزش واحترام بسیار زیاد وفوق العاده میباشد وخدمت به انسانها جزء برترین عبادات در نزدخداوند است.

اصل دین جدای از احکام آن نیست ودینی که باید ونباید فردی واجتماعی نداشته باشد برای چیست؟ باید حکومت دینی وکسی که دین را قبول کرده است، در حدتوان خود در اجرای احکام دینی بکوشدواین تضادی با عقلانیت ندارد. آیا دین اسلام که بر رویکرد عقلانی تأکید دارد به فکرقوانین واحکام عقلانی نیست؟ فقه واحکام فقهی پوسته دین نیستند بلکه فروعی هستند که از اصل دین که عقلانی است نشأت می گیرند.

دین یعنی برنامه فردی واجتماعی. واین برنامه که طی آخرین و کاملترین دین و تنها راه درست در عصر حاضر توسط کتاب خداوند قرآن شریف ودستوراتی که پیامبران وامامان که خود فرستاده خداوند بوده اند در اختیار مااست وکسانی که متخصص در علوم دینی هستند بعد از سالها تحصیل واجتهاد آنها را به صورت روش وبرنامه ای در اختیارافراد قرارمی دهند، این برنامه نمی تواند صرفا پوسته دین باشد ودین بدون روش زندگی راه چگونه زیستن وچگونه عمل کردن معنایی ندارد.

فکر میکنم در چند سطر آخر به این نکته مهم پرداخته باشم که: دین، همانند هر رشته وحتی هر حرفه ای نیازمند به متخصص است و تا زمانیکه فردی در فقه و معارف دینی متخصص (که در رشته علوم دینی با نام مجتهد از آن یاد می شود) نباشد سخن ونظر او برای ما و هیچ جمع علمی ارزش علمی و استدلالی ندارد.

والحمدلله اولاً و آخراً
حامد ساعدی،
ارشد علوم اجتماعی



واژه "شرع" در اینجا صرفاً به معنای دین و مذهب نیست و بسیاری از فضایل اخلاقی دیگر را نیز شامل می شود. شخصی که هنوز به درجه ای از معرفت و شناخت از دنیای پیرامون خود نرسیده و در پی تمایلات نفسانی خویش است و هیچ درکی از مشکلات و نیازهای مردم پیرامونش ندارد، چه حرفی می تواند برای گفتن داشته باشد؟! این شخص اگر اثری هم خلق کند یا برای مقاصد مالی است و یا برای ارضای ذهن خود.

تا نکند شرع تو را نامدار
نامزد شعر مشو زینهار

حمیدرضا سیه پوش، ادبیات

نویسندگان با گفتن اینکه مخاطب ما "خاص" است؛ به راحتی بر روی ضعف ها و ناتوانی های خود سربوش می گذارند و از زیر بار مسئولیتی که بر دوششان است، شانه خالی می کنند؛ بین خودشان جشنواره و مراسم تجلیل برگزار کرده و از خودشان تقدیر می کنند و به هم القاب و نسبت های درشت می دهند. در حالی که در میان جامعه، هیچ اثری نه از خودشان است و نه از اثرشان.

"نظامی گنجوی" این حکیم و شاعر گرانقدرمان، در مخزن الاسرار توصیه ای مهم و حیاتی به همه اهالی هنر و ادب می کند:
تا نکند شرع تو را نامدار
نامزد شعر مشو زینهار

هیچ وجه قابل قبول نیست برای اینکه مخاطب خاص از دل مخاطب عام است که بیرون می آید و اثری که حداقل فاکتورهای جذب مخاطب عام را نداشته باشد، بدون شک مخاطب خاص هم ندارد. آثار هنری و ادبی در طول تاریخ همواره مورد توجه عام مردم بوده و بیشتر از آنکه خواص در پی حفظ و نشر آن باشند، این عامه مردم بوده اند که آنها را حفظ کرده اند. دیوان حافظ، مثنوی معنوی، شاهنامه فردوسی، نمایشنامه های شکسپیر، آثار داونچی و سایر آثار ارزشمند ادبی و هنری مصداقی برای این گفته است که همواره عامه مردم، هم به راحتی با این آثار ارتباط برقرار کرده و هم آن ها را حفظ و به نسل بعدی انتقال می دادند. اما امروز هنرمندان و

که مخاطبین نیز همان لذت را می برند؛ گاهی این سردرگمی، مخاطب را نیز دچار اشتباه حسی می کند اما خیلی زود این حس در مخاطب از بین می رود و در می یابد که این لذت، لذتی کذایی است. خالق اثر در اوج لذت به سر می برد در حالی که مخاطبین کمترین نفعی از آن نمی برند و در یک سفر خیالی و زودگذر متوجه بی محتوا بودن اثر می شوند. این تجربه های ناموفق، به تدریج باعث زدگی و فاصله گرفتن مخاطبین از آثار ادبی و هنری شده و در همین حال نویسندگان و هنرمندان دچار حسی کاملاً متفاوت هستند؛ آن ها معتقدند که آثارشان در درستی درک نشده و مخاطب آنها عام مردم نیستند! این صحبت از یک هنرمند و شاعر یا نویسنده به

خود ارضایی ذهنی

به ذهن خود فشار می آورد و افکار پریشانان را متمرکز می کند؛ خیالات و توهمات یکی پس از دیگری به ذهنش خطور می کند. قلم به دست می گیرد و لذت ذهنی خود را به روی کاغذ می آورد. با امید و سر خوشی منتظر استقبال مخاطب می ماند؛ اما...
"خود ارضایی ذهنی" پدیده امروزی جامعه ادبی و هنری است که هنرمند یا نویسنده غرق در توهمات و تخيلات خویش، دچار لذتی کاذب می شود و می پندارد

نگاه سینمایی بچقه

که بی شک یکی از بهترین ترکیبات هنری در ژانر کودک است.

عروسک‌هایی خوش ساخت و مدرن چهره‌هایی دوست‌داشتنی، مانند صورتی، کپلک و عروسک گردانها و صداهای جادویی حرفه‌ای.

استفاده از رنگهای شاد که باعث جذابیت بصری فیلم است و موسیقی‌های تاثیرگذار با صدای شخصیت صورتی و تمامی شخصیت‌ها که جذابیت سمعی فیلم را دوچندان کرده است.

ساخت دکوری رئال و نزدیک به دنیای آدم‌ها، استفاده از رستوران، رودخانه و... جزو نقاط مثبت فیلم است.

فیلم سرشار از دیالوگ‌های روان و تاثیرگذار که به دل می‌نشیند، حال و هوا و فضای مدرن و پیشرفته‌ی دنیای کودکان و بزرگسالان امروز نیز می‌باشد. البته که در قسمت لایه درونی فیلم به بخش فیلمنامه شهر موشهای ۲ بیشتر می‌توان تاکید کرد.

هدف از لایه درونی و یا لایه‌های زیرین هر فیلم نامه‌ای آن قسمتی است که بر ناخودآگاه اثر می‌گذارد لایه درونی فیلم شهر موشهای ۲ هم از زمانی فعال می‌شود که موشهای کودک شهر قرار است با هم مشکلی را حل کنند و خیلی هوشمندانه نویسنده و کارگردان بذرهای اتحاد، هماهنگی و یکپارگی بودن، توانستن و پیرو شدن را در ناخودآگاه تک تک فرزندان می‌کارد و بستر پرورششان را فراهم می‌کند.

سینمای کودک ما نیاز دارد به فیلم‌هایی که همچون یک جعبه هدیه قشنگ‌ترین فرم و بهترین محتوا را داشته باشد.

هدیه بچقه به دنیای امروز شما فیلم سینمایی شهر موشهای ۲

نازنین مریم پیرکاری، روان‌شناسی

بازیگران: کیل / نارنجی ادم / باریک / عینکی / سرمایی / گوش دراز / آقای معلم / صورتی / کپلک / مشکلی...

فیلم شهر موش‌های ۲ برخلاف کلاه قرمزی که حتی بعد از گذشت ۲۰ سال هنوز بچه‌هاست و نتوانسته ارتباطی موثر با نسل جدید کودکان برقرار کند و بینندگان خود را مدیون فضای نوستالژی می‌باشد متفاوت است. مرضیه پروموند موش هایش را بر اثر گذشت زمان با تماشاچای‌های خود بزرگ می‌کند طوری که بعد از ۳۰ سال، سن و سالی میان ۴۰ سال به بالا داشته باشد.

و با حفظ فضای نوستالژی با خلق شخصیت‌های جدیدی هم چون کپلک و صورتی و مشکلی و... پیوندی عمیق با نسل جدید کودک برقرار کند و برای کودکان این نسل هم خاطره‌آفرین باشد و می‌شود این دیالوگ را در آینده پیش‌بینی کرد (تو زمان ما به فیلم بود که توش کپلک داشت خیلی با حال بود...)

شهر موشهای ۲ سوای نام‌آشنایش و پیشینه‌ی موفقش، فیلمی است که هر قشری را با هر سن و سالی با داستان خود همراه می‌کند و خنده را به مخاطبش هدیه می‌دهد.

یکی دیگر از رموز موفقیت شهر موشهای ۲ در دنیای کودک این است که شخصیت‌های محبوب شهر موشهای یک داستان ساز نیستند و آنها صرفاً پدر و مادرهایی هستند که در جریان داستان بچه‌هایشان قرار می‌گیرند.

اگر فیلم را شامل ۲ لایه بیرونی و درونی بدانیم، راحت‌تر می‌شود زوایای آن را مورد بررسی قرار داد.

لایه بیرونی فیلم: موسیقی، طراحی صحنه، عروسک‌ها و عروسک گردانها، دکوپاژ و کارگردانی و... می‌باشد.

پزشک آکلاین

و رهبر، بی‌خیال و سرزنده، بی‌حساب و کتاب، دیر خشمگین می‌شوند اما اگر عصبانی شوند، احتمال دارد رفتارهای مخاطره‌آمیز از خود نشان دهند.

صفاوی (حافظه و قدرت یادگیری بالا، بسیار پر جنب و جوش، باهوش، فعال، روابط اجتماعی قوی، زود خشم، بی‌قرار، عجول، پیشیمانی پس از خشم)

لزومی ندارد تمام علائم در شما صدق کند همین که بیشتر علائم یکی از چهار گروه را دارید یعنی آن مزاج در شما غلبه دارد و برای سهولت در شناخت مزاج خود می‌توانید از تست زیر استفاده نمایید.

پرستینامه سنجش گرمی و سردی

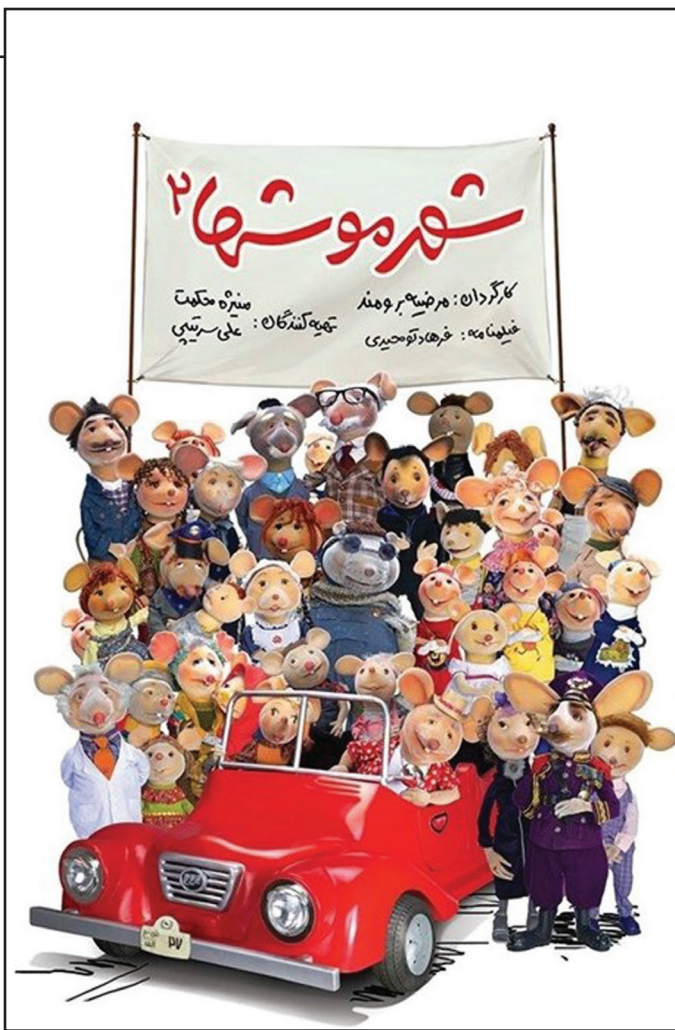
- ۱- پوست بدنم گرم است و احساس گرمی بدن دارم.
- ۲- از هوای خنک و فصل زمستان لذت می‌برم.
- ۳- رنگ موهایم سیاه و تیره رنگ است.
- ۴- شانه‌های عریض و قفسه سینه فراخ و پهن دارم.
- ۵- کارها را با سرعت و شتاب انجام می‌دهم.
- ۶- سریع حرف می‌زنم و آدم پرحرفی هستم.
- ۷- زود عصبانی می‌شوم.
- ۸- فردی جسور و شجاع هستم.

به سوالات فوق به صورت ((اصلاً صدق نمی‌کند عدد ۰ - درحالت‌متعدد عدد ۱ - کاملاً صدق می‌کند عدد ۲)) اختصاص داده و نمرات را جمع کنید.

اگر جمع نمرات شما بالای ۸ شد مزاج شما گرم است و اگر زیر ۸ باشد مزاج شما سرد است.

پرستینامه سنجش تری و خشکی

- ۱- پوست بدنم نرم است.
- ۲- از هوای خشک و بدون رطوبت لذت می‌برم.



علم گردي

فيزيك

سلام. قرار ما این است که از این به بعد من در این ستون از تاریخ علم بنویسم این شماره را به علم فیزیک اختصاص می‌دهم. اغلب آدم‌های فیزیک را با نیوتن و کالیله و انیشتین می‌شناسند اما واقعیت امر این است که اگر خیلی‌های دیگر قبل‌تر از آن‌ها نبودند و اکتشافاتشان را به راحتی در دسترس بقیه نمی‌گذاشتند؛ نیوتن و بورن و پلانک و رادرفورد و انیشتین وجود نداشتند. تقریباً از آغاز پیدایش بشر بر روی زمین؛ بشر همیشه سعی داشته که از بالای سرش را کشف کند و پرده از رازشان بردارد. بعد از پیدایش خط، تصاویر اجرام آسمانی و حرکتشان ثبت شد و انسان‌ها اولین گام‌ها را در راه علم برداشتند. استفاده از ستارگان برای تعیین مسیر، از زمان‌های بسیار دور، بین انسان‌ها مرسوم بوده و تقریباً همه به این علم اشراف داشتند. مطلب و خلاصه می‌کنم تا برسیم به پیدایش علم مکانیک که با تحلیل حرکت اجرام آسمانی توسط دانشمندان مثل کوپرنیک و کپلر و تیکو براهه شروع شد و با قوانین نیوتن کامل شد.

اگر جرات کوپرنیک (که اسقف بود) نبود که کتاب نظریه خورشید مرکزی‌ش رو به فرد دیگه‌ای برای خواندن بدهد و در آخرین روزهای زندگیش بعد از بیست و چند سال رضایت به چاپ این کتاب بدهد؛ همه ما زمین را مرکز عالم می‌دانستیم و درگیر مسائل فلسفی و دینی این موضوع بودیم. (در حال حاضر انجمنی از مسیحی‌های افراطی در آمریکا وجود دارند که همین نظر رو دارند!) نظریه‌ای که طبق شواهد، کاملاً برای خودش نبود، او در کل عمرش به اندازه انگشتان دست هم رمد نکرده بود. اما چرا این همه زمان را برای نشر عقایدش تلف کرد؟!

علاقه تیکو براهه به رمد کردن بود که با تمام ثروت شخصی و کمک هزینه‌ای که از پادشاه کشورش (دانمارک) گرفت به جزیره‌ای سفر کرد و حدود صد نفر خدمه با خود برد. همینجا بود که جوانی با استعداد به نام کپلر (که برای گذران زندگی خویش برای دربار پیشگویی می‌کرد) به هم‌ايش رفت و شروع کرد به رمد کردن و جمع‌آوری اطلاعات. در این دوران هنوز اروپا در قرون وسطی به سر می‌برد و همه چیز تحت نظارت کلیسا بود. بعد از آن بود که کپلر سه قانون معروف خودش رو منتشر کرد که به شرح زیر است:

قانون اول: حرکت سیارات به دور خورشید بیضوی شکل است (نه دایره‌ای)

قانون دوم: خط واصل بین خورشید و سیارات در زمان‌های مساوی، مساحت‌های مساوی را جاروب می‌کند. به بیان دیگر زمانی که سیاره به دور خورشید نزدیکتر است نسبت به زمانی که از خورشید دورتر است با سرعت بیشتری حرکت می‌کند. قانون سوم: مربع زمان تناوب چرخش سیارات به دور خورشید با مکعب نصف محور بزرگ بیضی متناسب است.

بر اساس این سه قانون بود که نیوتن (تنها رعیت زاده‌ای که لقب "سِر" از دربار گرفت) توانست قوانین حرکت خود را بیان کند. اگر بخوایم ساده تر به قضیه نگاه کنیم رمد آسمان و اجرام آن و کشف دنباله‌دارها و سیارات و پیدایش کویک حرکت آن‌ها به ما این امکان را داد تا به قانون دوم نیوتن (نیوتن برابری است با جرم ضربدر شتاب) برسیم و بر اساس آن، علم مکانیک امروز را بنا نهیم. این کاری بود که همه انسان‌ها و مخصوصاً دانشمندان درگیر آن بوده‌اند.

پیشبرد علم در قرون وسطی کاری مهم بود که بشر توانست آن را انجام دهد.

کلیسا بر اساس کتاب عهد جدید (انجیل) اعتقاد داشت که زمین مرکز عالم است و همه چیز گرد آن می‌چرخد و هر نظریه خلاف این را ارتداد از دین می‌دانست و آن فرد محکوم به اشد مجازات یعنی سوز زنده شدن بود. در همین زمان بود که علم توسط اعراب و مسلمانان و به خصوص ایرانیان حفظ شد و متون کهن به زبان‌های مختلف ترجمه شد.

البته ترجمه تنها کاری نبود که در دوره اسلامی انجام شد بلکه افزودن به علم آن زمان (ریاضیات و نجوم و طب) و تفسیر علوم و به وجود آمدن فلسفه اسلامی از مهمترین دست آوردهای آن زمان بود.

اینکه چرا دانشمندان طی سال‌ها به این فکر افتادند که نظریه خورشید مرکزی از نظریه زمین مرکزی بهتر است بحثی طولانی است که درخورد این مقاله نمی‌باشد. در واقع نظریه زمین مرکزی به سوالات علمی پاسخ می‌داد و حرکات اجرام را پیش‌بینی می‌کرد فقط نمی‌توانست وجود دنباله‌دارها را نشان دهد و حرکتشان را تبیین کند. دانشمندان دچار نوعی پارادایم علمی شده بودند و به دنبال جواب‌های تازه‌تری می‌گشتند.

تاریخ علم پر است از ماجراهایی که برای ما مانند افسانه می‌ماند اما واقعیت این است که اتفاق افتاده‌اند و باعث تغییر سرنوشت خیلی از انسان‌ها شده است. تصور کنید که کلیسا با تحقیقات دانشمندان مخالفت نمی‌کرد حداقل دست آورد این قضیه نجات جان هزاران انسانی است که به جرم جادوگری و ارتداد کشته شده‌اند. یا اگر کلیسا به همه انسان‌ها از هر طبقه‌ای اجازه درس خواندن می‌داد آن بین آن‌ها چند دانشمند متولد می‌شد و علم امروز کجا ایستاده بود؟

البته لازم به ذکر است که علم و فلسفه دو یار جدایی ناپذیر بودند. فلسفه و روش فکری نیز جهت دهی خاصی به تفکر دانشمندان می‌داد و آن‌ها را فرماندهی می‌کرد. به تاریخ پیدایش علم مکانیک برمیگردیم. بعد از زمان نیوتن را تقریباً آغاز علم جدید می‌نامند. تفریحات مردم طبقه اشراف آن دوره و متولد شدن فلسفه‌های نو (که کانت و... آن را به وجود آوردند) باعث تغییرات فاحشی در علم شد که بعدها انقلاب علمی را به وجود آورد.

البته فیزیک به تنهایی این مهم را به دوش نداشت بلکه ریاضیات هم با به پای آن می‌دوید. به طور مثال به وجود آمدن حساب دیفرانسیل و انتگرال هم سهم بزرگی در این راه داشت. (بماند که حساب دیفرانسیل و انتگرال را نیوتن و لیبنیس هر دو در یک زمان و دور از هم اختراع کردند و البته لیبنیس در ارائه آن‌ها نقش بیشتری داشت. اما زور بیشتر نیوتن و سرکوب لیبنیس باعث شد که از این علم هم مدت زیادی بهره‌مانیم.) حال با یادآوری اینکه زمین مرکز عالم نیست و ما در این جهان نه تنها حاکم نیستیم بلکه فقط جزئی کوچک از کیهان هستیم بزرگی هستیم، و طبقه ما چیست؟ چه باید بکنیم؟ از سوالات و انتقادات شما درباریه این ستون استقبال می‌کنم.

منابع:
تاریخ علم کمبریج (نشر مرکز)، تاریخ علم (نشر سمت)، تاریخ علم مردم (نشر ماهی)، هزار چهره علم (نشر نو)، خوابگردها (نشر امیرکبیر)

همکار افتخاری بچقه: صبا عاصمی (دانشجوی فیزیک یک گرایش هسته‌ای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال)

پادشاه سرزمین بدن خود باش

چگونه سالم، شاد و موثر زیستن مهارتی است آموختنی.

(مرحوم دکتر شعاری نژاد)

دانشمندان طب سنتی ایران معتقدند بدن انسان از چهار ماده اصلی (خاک، آب، هوا و آتش) ساخته شده است. که البته با خاک و آب و هوا آتشی که اطراف ما وجود دارد متفاوت است. خاک سرد و خشک است آب سردتر است و هوا گرم و تر و آتش گرم و خشک است. اگر بدن انسان از مقادیر متناسب خاک آب و هوا آتش ترکیب شده باشد (مزاج معتدل) به وجود می‌آید که صرفاً در حالت فرضی وجود دارد.

بی‌نهایت مزاج داریم و مزاج هیچ فردی شبیه دیگری نیست همانطور که اثر انگشتان افراد متفاوت است. ولی برای سهولت انجام دستورالعملها مزاج‌ها را به ۴ دسته طبقه بندی کردند. مزاج‌های چهار گانه اصلی (سوداوی، بلغمی، دموی و صفراوی) در اشخاص سوداوی، سردی و خشکی، در فرد بلغمی، سردی و تری، در فرد دموی، گرمی و تری و در شخص صفراوی، گرمی و خشکی غلبه دارد. **تمامی گروه‌ها سالم هستند ولی مشخصات بدنی و روانی آنان متفاوت است. و این ویژگی‌ها نه دلیل بر تری و نه نشانه پستی است. داده‌های معنوی می‌توانند مشخصات فردی را تغییر دهند ولی موضوع بحث طب سنتی در رابطه با داده‌های مادی هر فرد و ویژگی‌های مربوطه می‌باشد** که هر شخص باید مزاج خود را بشناسد و سعی کند برنامه ریزی داشته باشد تا به مزاج معتدل نزدیک شود.

ساختار روانی:

سوداوی (خشک، کم معاشرت، تابع مقررات، فنی، دقیق، حسابگر، دوراندیش، اغلب سمج، مستعد افکار و خیالات وطن و گمان، حافظه معمولی، کینه‌ای، تکیه بر جنبه عقلائی امور) بلغمی (آرام و تسلیم پذیر و مسالمت جو، دوراندیش و با احتیاط، بدون شجاعت، روابط اجتماعی ضعیف، حافظه و قدرت تمرکز ضعیف، صبور، کم انرژی)

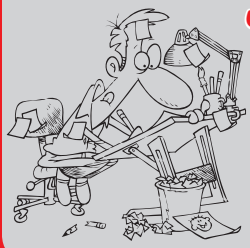
دموی (آرام، خوش خلق، صمیمی؛ شجاع و جسور، پیشرو

دعوت به همکاری

ویراستار ادبی و

کاریکاتوریست

نیاز مندیم.



رد پای بچقه

مدیر مسئول: مریم یوسفی
سر دبیر: زینب امیدی پناه
طراح و صفحه‌آرا: مهدی رحبی

هیات تحریریه و همکاران این شماره:

خدیجه تاجر، نازنین مریم پیرکاری، محدثه سادات پرپین چی، مهدی حکم آبادی، صبا عاصمی حمیدرضا سیه پوش، حامد ساعدی، یونس مشرفی، بهمن مسافر فرد، عرفانه نیک نژاد، حورا وهاج

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

صاحب امتیاز: کانون کاوش

جهت دریافت فایل نشریه به سایت nahad8.ir مراجعه نمایید.
نکته: کلیه مطالب درج شده نظر نویسندگان میباشد و الزاماً نظر نشریه بچقه نیست، و نقد یا تایید آن توسط شما بلا مانع بوده و قابل درج میباشد.



نشانی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج) - ساختمان C طبقه اول - اتاق ۱۱۲

تلفن: ۰۲۱۳۲۷۸۹۰۰۱ سامانه پیامکی: ۰۲۱۳۲۷۸۵۵۲۲

پست الکترونیک: boghcheh.1390@gmail.com